

نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه

سالار منافی اناری*

استاد دانشگاه علامه طباطبایی، ایران

ملیحه قدرتی**

کارشناس ارشد رشته مطالعات ترجمه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران علوم و تحقیقات، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۱۳، تاریخ تصویب: ۸۸/۸/۱۸)

چکیده

هدف از این تحقیق، تعیین نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه و نیز دریافت این مطلب است که آیا تفاوت عمده‌ای میان ترجمه‌های مترجمان زن و مرد از حیث صحت ترجمه وجود دارد یا خیر. برای رسیدن به این مهم، دو رمان انگلیسی و دو ترجمه از هر یک که یکی توسط مترجمی زن و دیگری توسط مترجمی مرد انجام شده بود، انتخاب شد. واحد ترجمه برای تجزیه و تحلیل در این تحقیق، جمله ساده کامل در نظر گرفته شد. بدین ترتیب که هر یک از ترجمه‌ها، جمله به جمله، با متن مبدأ مقایسه شده و بر پایه طبقه‌بندی‌هایی مشخص، ترجمه‌های نامناسبی که بر درک متن مبدأ و در حقیقت بر صحت ترجمه، تأثیرگذار بودند، استخراج شدند. شمار مجموع ترجمه‌های نامناسب مشاهده شده در هر گروه، برای مترجمان زن و مرد، محاسبه شد. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات و انجام برخی محاسبات آماری، مشخص شد که تفاوت عمده‌ای میان ترجمه‌های مترجمان زن و مرد از لحاظ صحت ترجمه وجود ندارد؛ بدین سان، پاسخی منفی برای سؤال تحقیق به دست آمد و محقق توانست فرضیه صفر تحقیق خود را مبنی بر نبود تفاوت‌های جنسیتی در صحت ترجمه، میان ترجمه مترجمان زن و مرد، به اثبات رساند.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، صحت، بی‌زبان‌بودن، مؤدب‌بودن، حاکمیت، معیار، ارزیابی.

* تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۸۲۴۱-۲۲۴۳۸۲۴۱، دورنگار: ۰۲۱-۲۲۴۳۸۲۴۱، E-mail: maliheh.ghodrati@gmail.com

** تلفن: ۰۲۱-۳۳۷۹۳۸۲۱-۳۳۷۹۳۸۲۱، دورنگار: ۰۲۱-۳۳۷۹۳۸۲۱، E-mail: maliheh.ghodrati@gmail.com

مقدمه

هر فرایند ترجمه‌ای، حداقل با دو زبان و یک پیام سروکار دارد که می‌توان آن‌ها را ساختار (form) و معنی (meaning) نامید. درحقیقت، معنی پیامی است که به صورت‌های متعددی منتقل می‌شود و کار مترجم نیز انتقال معنای متن مبدأ به متن مقصد است. پس، بسته به عوامل مختلفی که بر عملکرد مترجم و روش انتقال معنی تأثیرگذار است، ترجمه‌های متفاوتی تولید می‌شود. جنسیت مترجم یکی از عواملی است که می‌تواند بر فرایند نهایی مترجم تأثیرگذار باشد و صحت ترجمه نیز از ویژگی‌های مهمی است که در ارزیابی هر نوع متن ترجمه‌شده‌ای، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تا به امروز، مطالعات بسیاری در زمینه ترجمه، ویژگی‌های آن و همچنین عوامل مختلف و تأثیرگذار بر آن صورت گرفته است. یکی از عواملی که مورد توجه و بررسی محققان بسیاری واقع شده، موضوع جنسیت مترجم است که بازتاب قابل توجهی بر فرایند و تولید ترجمه دارد. به اعتقاد شری سایمون در طول تاریخ، زنان و مترجمان نسبت به مردان و نویسندگان، به عنوان «پدیده‌هایی ضعیف‌تر و پایین‌تر» (۱۳) قلمداد می‌شده‌اند. بنابراین، پس از جنبش‌های فمینیستی، مطالعات فراوانی در گستره نقش جنسیت مترجم بر کیفیت ترجمه از جنبه‌های مختلف صورت پذیرفته است.

هدف از این تحقیق، بررسی تفاوت‌هایی است که ممکن است در زمینه صحت ترجمه میان ترجمه‌های مترجمان زن و مرد وجود داشته باشد؛ بنابراین، سؤال تحقیق عبارت است از: «آیا تفاوتی میان ترجمه‌های مترجمان زن و مرد از لحاظ صحت ترجمه وجود دارد؟» و به منظور بررسی سؤال تحقیق مذکور، فرضیه صفر زیر در نظر گرفته شده است: «تفاوتی میان ترجمه‌های مترجمان زن و مرد از لحاظ صحت ترجمه وجود ندارد».

۲. جنسیت، زبان، صحت و ترجمه

۲-۱. جنسیت و زبان: تفاوت کاربردهای زبانی زنان و مردان معرف چیست؟

هم از لحاظ فردی و هم از منظر اجتماعی، زبان بخش مهمی از هویت انسان را تشکیل می‌دهد. زبان و جنسیت، از طریق مشارکت افراد در مراودات اجتماعی روزانه، به هم پیوند خورده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که زبان مردان و زنان متفاوت است (هلمز). در گذشته، حضور زنان در جامعه چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت و گویی زنان اصلاً دیده نمی‌شدند،

لیکن امروزه زنان معتقدند که از لحاظ طرز فکر، روان شناسی، مسائل عاطفی و هم چنین فرهنگ و بسیاری زمینه‌های دیگر با مردان متفاوتند (کوتس ۱۳). تاکنون، مطالعات بسیاری در رابطه با نقش جنسیت «به عنوان شاخصی از کاربرد زبانی» (استاکول ۱۶) انجام گرفته است. به عقیده استاکول، امروزه اصطلاح «گفتار جنسیتی» (genderlect) به «انتخاب‌های دستوری و واژگانی مختلفی» (همان جا) مربوط می‌شود که توسط زنان و مردان انجام می‌گیرد؛ به عنوان نمونه، در مکالمات روزانه، زنان آهنگ کلام مرددی (not sure intonation) دارند و این نشانگر آن است که زنان نسبت به حرف‌های خود اطمینان کمتری دارند، بسیار مؤدبانه سخن می‌گویند و در سخنان خود از حسن تعبیر (euphemism) بهره می‌جویند، کمتر قسم می‌خورند و از کلمات غیر مستقیم بیشتری استفاده می‌نمایند. با بررسی بیشتر برخی مطالعات انجام گرفته روی مکالمات دو جنس زن و مرد می‌توان نقطه نظرات جالبی درباره چرایی تفاوت های زبانی و کاربردهای زبانی این دو جنسیت ارائه داد: در مکالماتی که هر دو جنس زن و مرد حضور دارند، زنان بیش از مردان پاسخ‌های کوتاه به‌کار می‌برند و هم‌چنین در زمان مناسب‌تری این‌گونه پاسخ‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند، حال آن‌که مردان کمتر از این واژگان استفاده می‌کنند و اغلب در پاسخ‌های خود درنگ می‌کنند تا نفوذ و برتری خود و ناتوانی جنس طرف صحبت خود را به رخ بکشند (کوتس ۱۶). همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، مردان بیش از زنان صحبت طرف مقابل خود را قطع می‌کنند، به این علت که آنها گمان می‌کنند جنس برتر و نیرومندترند (همان ۱۱۰). بنا بر این باور، ناتوانی یک خصیصه زنانه است (رجوع شود به گرادول و سوآن ۹۲-۹۱). دی‌والت معتقد است «مفهوم "بی‌زبان‌بودن" (mutedness) بدین معنی نیست که زن‌ها ساکتند» (۹۰). به باور کوتس (۱۹۹۷، ۳۵)، در طول قرن‌های متمادی، زنان یک «گروه بی‌زبان» (muted group) به شمار می‌رفته‌اند و این جایگاه مطلوبی برای آنان محسوب می‌شده است؛ بنابراین، این اعتقاد که زنان بسیار صحبت می‌کنند، به خاطر این حقیقت است که آن‌ها نیازمند آند تا خود را به گروه برتر مردان بنمایانند و با آنان صحبت کنند تا بتوانند توسط آنان شنیده شوند. بنابراین، صحبت کردن نقطه مقابل بی‌زبان‌بودن آن‌هاست. با این توهم، زنان گروه پایین‌تری به‌شمار می‌آیند و مردان گروه برترند؛ به‌همین دلیل، در حال حاضر زنان نهایت تلاش خود را می‌کنند تا جامعه آنان را بشنود و سعی دارند توانایی‌های خود را به مردان ابراز دارند. اما در زمینه ترجمه، باید گفت چون ترجمه محصولی از زبان آدمی است، احتمالاً باید خصوصیتی یکسان با خصوصیات زبان داشته باشد. پس، هر ترجمه باید بازتابی از ویژگی‌های زبان مترجم خود باشد.

۲-۲. ترجمه و صحت آن؛ از دیروز تا امروز

در فرایند ترجمه یک متن، پیام متن مبدأ باید در ترجمه حفظ شود؛ زیرا هم چنان که در گذشته عنوان می‌شده، این نکته بیانگر وفاداری (faithfulness) و امانتداری (fidelity) نویسنده نسبت به متن مبدأ است. بیکن و کالو معتقدند ترجمه وفادار، ترجمه‌ای است که «معنی و پویایی متن مبدأ را منتقل می‌کند» (۳۳)؛ منظور از 'انتقال معنی' که امروزه با معادل بازسازی پیام زبان منبع در زبان مقصد جایگزین شده، آن است که ترجمه اطلاعات متن مبدأ را به خواننده متن مقصد منتقل می‌کند (البته، باید اذعان داشت که دیگر جریان انتقال معنا تقریباً منسوخ شده و در این زمان چندان بدان پرداخته نمی‌شود). به هر حال، بنا بر باور بیکن و کالو، «یک مترجم تنها زمانی می‌تواند نسبت به متن مبدأ وفادار باشد که خود پیام آن را درک کرده باشد» (همان ۳۴) و فقط در این صورت است که «امکان ترجمه واضح و صحیح وجود دارد» (همان). در واقع، وفاداری و امانتداری که در گذشته بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفتند، دو اصطلاح بودند بیانگر آن‌که متن مقصد تا چه اندازه بازسازی کننده متن مبدأ است.

برخی نظریه‌پردازان ترجمه بر این باورند که باید با در نظر گرفتن متن مبدأ به عنوان «معیار» (yardstick)، به ارزیابی ترجمه پرداخت (منافی اناری ۲۰۰۴: ۳۴، (۵) ۲). منافی اناری صحت ترجمه را این‌گونه تعریف می‌کند: «درستی (exactitude) یا دقت (precision) معنای انتقال‌یافته» (۲۰۰۴: ۴۱، (۴) ۱) در حقیقت، این تعریف «دربرگیرنده مطابقت ترجمه با متن مبدأ از لحاظ حقیقت و واقعیت» است. هم‌چنین، بنا بر تعریف منافی اناری، ترجمه صحیح (accurate translation) ترجمه‌ای است که «بازسازی از پیام متن مبدأ به شمار می‌آید» (۲۰۰۴: ۳۴، ج ۲، ش ۵). نیومارک معتقد است که در ترجمه یک متن «صحت، به متن مبدأ مربوط می‌شود، چه در رابطه با معنای نویسنده و چه در ارتباط با حقیقتی عینی که متن دربردارد» (۱۱۱). بنا بر آن‌چه در بالا بدان پرداخته شد، می‌توان صحت را بازمودی از وفاداری در ترجمه به شمار آورد، شاید هم بتواند بیانگر این مطلب باشد که مترجم تا چه حد توانسته در بازتولید یا به عبارتی ساده تر در بازتولید پیام متن مبدأ در متن مقصد موفق عمل کند (البته باید گفت درست است که این مطلب امکان دارد، اما لزوماً چنین نیست، زیرا ممکن است پس از درک پیام زبان منبع، باز هم مشکل ترجمه و یا بازسازی آن پیام وجود داشته باشد).

لارسن (۱۹۸۴) چنین می‌نویسد که در هر ترجمه، صحت (accuracy)، وضوح (clearness) و طبیعی بودن (naturalness) حائز اهمیت بسیارند (۴۸۵). درباره صحت ترجمه، وی معتقد است در برخی موارد هنگامی که مترجم تلاش دارد تا معنی متن مبدأ را دریافته و به

متن مقصد انتقال دهد، ممکن است در حین تجزیه و تحلیل متن مبدأ، یا در فرایند انتقال معنی، اشتباهاتی از او سر زند و معنی متفاوتی حاصل گردد؛ بدین ترتیب، لازم است صحت ترجمه به دقت مورد بازبینی قرار گیرد. خمیجانی فراهانی (۲۰۰۵) بر این باور است که بنابر آنچه لارسن در سال ۱۹۸۴ مطرح کرده، فرایند ارزیابی صحت ترجمه را می‌توان به دو روش انجام داد: یکی شناسایی واژگان کلیدی متن مبدأ و معادل‌های آن‌ها در متن مقصد و سپس مقایسه میزان نزدیکی آن‌ها به یکدیگر است؛ یعنی، تعیین این‌که آیا مترجم با انتخاب معادل‌های (زبانی) متن مقصد توانسته معنی دقیق و یکسانی از متن مبدأ ارائه دهد و این‌که آیا توانسته به صحت قابل‌قبولی دست یابد یا خیر. روش دیگر، استفاده از ترجمه معکوس (back translation) است و این به معنای ترجمه متن زبان مقصد به زبان مبدأ، و پس از آن، انجام بررسی مقابله‌ای است؛ اگر متن ترجمه‌شده به گونه‌ای منطقی به متن زبان اول نزدیک بود، در آن صورت ترجمه صحت قابل‌قبولی را داراست. هم‌چنین، وادینگتون (۳۱۳) روشی برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه می‌دهد که بر مبنای مدل سال ۱۹۹۵ هارتادو (Hurtado) است. «روش A» (Method A) وادینگتون سه گروه از اشتباهاتی را که ممکن است در ترجمه وجود داشته باشد، معرفی می‌کند. گروه اول اشتباهات که به درک متن مبدأ می‌پردازد، به صحت ترجمه مربوط می‌شود و شامل ترجمه‌های نامناسب تأثیرگذار بر درک متن مبدأ است که به هشت دسته تقسیم می‌شود: وارونگی معنا (contresens)، معنای نادرست (faux sens)، بی‌معنایی (nonsens)، اضافه (addition)، حذف (omission)، مراجع فرازبانی نادرست (unresolved extralinguistic references)، کم‌معنایی (loss of meaning)، گونه زبانی نامناسب (سیاق، سبک، گویش و ...) (inappropriate linguistic variation (register, style, dialect,...)).

بنابراین، اصطلاح **صحت ترجمه** به درک مترجم از پیام متن مبدأ مربوط است و این‌که مترجم چقدر در ترجمه متن از زبانی به زبان دیگر صحت عمل داشته است.

۳-۲. رابطه جنسیت و ترجمه از دیروز تا امروز

با مروری بر زبان زنان و مردان و هم‌چنین با مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی آنان، در خواهیم یافت که زنان به عنوان گروه پایین‌تر و مردان به عنوان گروه برتر به شمار می‌آیند (هلمز ۶)؛ به همین دلیل، در دهه‌های اخیر، زنان با همه توان خود کوشیده‌اند تا جامعه آن‌ها را بشنود، آنان در تلاشند توانایی‌های خود را به مردان بنمایانند. طی چند دهه گذشته، مسایل

جنسیتی و زبانی در هم آمیخته‌اند؛ در همین اثنا، مطالعات ترجمه بیشتر و بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است (فون فولوتو ۱). در رابطه با ترجمه، می‌توان چنین پنداشت که چون ترجمه محصولی از زبان آدمی است، می‌تواند ویژگی‌هایی همانند با زبان داشته باشند. بنابراین، هر ترجمه ممکن است بازتابی از ویژگی‌های زبان مترجم خود باشد. به اعتقاد فون فولوتو (همان ۵)، «جنسیت به ساختار فرهنگی - اجتماعی مرد و جنس اشاره دارد». طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، اندیشمندان فمینیستی تفاوت جامعه‌پذیری میان زنان و مردان و ناتوانی فرهنگی و سیاسی این دو جنسیت را مورد بحث قرار داده‌اند (همان). در رابطه با مفهوم جنسیت، سایمون معتقد است که «جنسیت عنصری است از هویت و تجربه که مانند دیگر هویت‌های فرهنگی از طریق آگاهی اجتماعی شکل می‌گیرد» (۵). با مروری بر تاریخ ترجمه درمی‌یابیم که همواره مباحثات متعددی پیرامون این موضوع وجود دارد که چگونه می‌توان به بهترین نحو ترجمه‌ای وفادار ارائه داد؛ بنابراین، جای شگفتی نیست «که وفاداری در ترجمه همواره بر حسب جنسیت و تمایلات جنسیتی تعریف شده است» (چمبرلین، به نقل از بیکر ۱۹۹۸، ۹۳).

مدت مدیدی از ترجمه برای تفسیر فعالیت‌های زنان در جامعه استفاده می‌شده، و هم‌چنان که مارگاریتو دوراس (به نقل از فون فولوتو) اشاره می‌نماید، قرن‌ها زنان در تاریکی به سر می‌بردند و حتی خود را به خوبی نمی‌شناختند؛ بنابراین، هنگامی که زنان به بستر جامعه وارد شدند، ناچار بودند تا منظور خود را ترجمه و تفسیر کنند.

بنا بر ادعای آرتگا تاریخ فرهنگی و زبانی هر ملتی مبین روابط میان خود و دیگری است؛ در حال حاضر، در مبحث مطالعات فرهنگی، ترجمه هم‌چون استعاره‌ای است بیانگر "بین‌المللی‌سازی (internationalization) روبه‌افزایش محصول فرهنگی" و نیز نشان‌دهنده "سرنوشت کسانی است که بین دو دنیا و دو زبان سردرگم شده‌اند (۲، نقل در سایمون ۱۳۴). سایمون معتقد است که گروه به‌حاشیه‌گذار شده (marginalized group) ترجمه را هم‌چون ابزاری می‌دانند که از طریق آن می‌توانند خود را در فرهنگ و زبان گروه‌های برتر بگنجانند: زنان سعی دارند "خود را ترجمه کنند" (همان)، آن‌هم به زبان مردان، و مهاجران نیز تلاش دارند تجربیات گذشته خود را به زمان حال ترجمه نمایند؛ علت این امر آن است که آنان احساس می‌کنند در خانه (یا بهتر است بگوییم وطن) خود نیستند و خود را در بطن اصطلاحات قدرت می‌دانند که سبب می‌گردد زنان و نیز مهاجران بسیاری، چون سلمان رشدی، خود را "موجوداتی ترجمه‌شده" (translated beings) بدانند (رشدی ۱۳، ۱۳۵). مترجم و ترجمه هر دو به عنوان عناصر در حاشیه‌گذار شده به‌شمار می‌رفته‌اند، زیرا برخی بر این باور بودند که متن

اصلی نسبت به ترجمه برتری دارد و ترجمه تنها به عنوان معادلی برای متن اصلی محسوب می‌شود و به‌خودی‌خود یک متن اصلی به حساب نمی‌آید (هتیم و ماندی ۲۰۰).

پیش‌تر، ترجمه متنی فرعی محسوب می‌شد و نسبت به نویسندگی در درجه پایین‌تری بود (سایمون ۳۹). به باور سایمون، ترجمه برای زنان به منزلهٔ ابزاری مهم بود و موجب آن می‌شد تا آنان به دنیای ادبیات و نگارش گام نهند (همان)؛ در واقع، ترجمه به زنان کمک می‌کند تا از طریق ترجمه‌ها و نوشته‌هایشان خود را به دیگران بنمایانند؛ تا مدت‌ها فعالیت زنان تنها محدود به ترجمه بود و فقط اجازه داشتند به همین محدودهٔ فرعی نگارش وارد شوند. آن‌ها به ناچار می‌بایست خارج از مرزهای محدودهٔ برتر نگارش به فعالیت پردازند و اجازه نداشتند از جایگاه نویسندگی برخوردار باشند.

ترجمه و فمینیسم هر دو در طبقهٔ «فرعی» (secondariness) جای می‌گیرند و هر دو به عنوان ابزاری برای درک تفاوت‌های زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرند (همان ۸). نظریهٔ ترجمهٔ فمینیستی بر آن است تا مفاهیم پایین‌تر بودن زنان و ترجمه را، هم از منظر اجتماعی و هم از لحاظ ادبیاتی، تعیین و نقد کند؛ بدین‌منظور، فرایندی که از طریق آن، ترجمه، زنانه (feminized) می‌شود، باید شناخته شود و ساختارهای قدرتی که چنین رابطه‌ای را حفظ می‌کنند، نیز باید از بین بروند (همان).

با گذشت زمان و با دستاوردهایی که فمینیست‌ها و جنبش‌های آنان به‌دست‌آورده‌اند، زنان می‌توانند خود و توانایی‌هایشان را در جامعه آشکار کنند؛ درحقیقت، آنان می‌توانند هویت خود را در جهان تثبیت کرده و همان‌گونه که سایمون معتقد است، فمینیسم مرزهای انتقال فرهنگی را نیز مورد بازبینی قرار می‌دهد (همان). از طریق ترجمه، مترجمان - اغلب مترجمان زن - روش‌های تبادلی جدیدی خلق کرده‌اند؛ به‌علاوه، آنان بازارهای ترجمهٔ جدیدی به وجود آورده‌اند و بنا بر گفتهٔ سایمون، «فمینیسم علاوه بر چالش‌های مفهومی معانی مجازی ترجمه، به تثبیت ارتباطات فکری جدید می‌پردازد» (همان ۸۴).

۳. روش‌شناسی

هدف از این تحقیق، مطالعهٔ نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه است. بنابراین، محقق به مطالعه، بررسی و مقایسهٔ ترجمه‌های مترجمان زن و مرد از لحاظ صحت ترجمه پرداخته است. بدین‌منظور، محقق با انتخاب دو رمان انگلیسی و دو ترجمه از هر یک که یکی توسط مترجمی مرد و دیگری توسط مترجمی زن ترجمه شده، صحت ترجمه‌های مربوط به

۱۰،۰۰۰ واژه ابتدایی هر یک از رمان‌های انگلیسی را - البته به صورت جمله به جمله - مورد بررسی و مطالعه قرار داده است. رمان‌های انگلیسی و ترجمه‌های آن‌ها که همان پیکره تحقیق‌اند، عبارتند از:

Austen, Jane. (1813), reprinted 2003. *Pride and Prejudice*. New York: Bantam Classic.

اوستن، جین. *غرور و تعصب*. ترجمه شمس‌الملوک مصاحب. چاپ ششم. تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۵.

اوستن، جین. *غرور و تعصب*. ترجمه رضا رضایی. چاپ دوم. تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.

Bronte, E. (1847), reprinted 2003. *Wuthering Heights*. Bantam Classic: New York.

برونته، امیلی. *بلندی‌های بادگیر* (عشق هرگز نمی‌میرد). ترجمه نگار غلام‌پور. چاپ اول. تهران: نشر روزگار، ۱۳۸۶.

برونته، امیلی. *بلندی‌های بادگیر* (عشق هرگز نمی‌میرد). ترجمه علی‌اصغر بهرام‌بیگی. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۵.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و نحوه ارائه آن‌ها

به منظور بررسی این مطلب که آیا ترجمه‌های مترجمان زن از صحت بیشتری برخوردارند یا ترجمه‌های مترجمان مرد و در حقیقت دریافت این که آیا تفاوت عمده‌ای میان ترجمه‌های مترجمان زن و مرد وجود دارد یا خیر، محقق دو رمان انگلیسی و دو ترجمه فارسی (از دو مترجم زن و مرد) برای هر یک عنوان را انتخاب کرده و ۱۰،۰۰۰ واژه ابتدایی هر رمان انگلیسی را با ترجمه‌هایش از نظر صحت ترجمه مقایسه کرده است. شایان ذکر است که در این بررسی، واحد ترجمه، جمله است. در اینجا تعریف جمله، بنا بر آن چه در فرهنگ واژگان آکسفورد تعریف شده، عبارت است از: "مجموعه‌ای از واژگان که بیانگر خبر، پرسش یا دستوری‌اند و معمولاً شامل فاعل و فعلند. در انگلیسی نوشتاری، جملات با حروف بزرگ آغاز می‌شوند و با نشانه‌هایی چون نقطه (.)، علامت سؤال (؟) یا علامت تعجب (!) پایان می‌یابند." (هورنبی ۱۱۶۵، ۳۱۳). صحت ترجمه‌های مذکور، با استفاده از هشت مورد بخش اول روش A وادینگتون (۲۰۰۱) که به صحت ترجمه مربوط است، مورد بررسی قرار گرفته است؛ این موارد عبارتند از: وارونگی معنا، معنای نادرست، بی‌معنایی، اضافه، حذف، مراجع زبانی نادرست، کم‌معنایی و گونه‌زبانی نامناسب (سیاق، سبک، گویش و...). در ادامه،

مثال‌هایی ارائه شده که بیانگر روش محقق در تجزیه و تحلیل داده‌هاست:

➤ But to be candid without ostentation or design – to take the good of everybody's character and make it still better, and say nothing of the bad – belongs to you alone. (جمله ۲۲۰ از متن دوم).

* مترجم زن متن دوم: اما خلوص نیت و صفا بدون هیچ تظاهر و خودنمایی، فقط خوبی‌های دیگران را دیدن و آنرا بزرگ جلوه دادن و درباره بدی‌ها ساکت ماندن، تنها مخصوص تو است.

↔ معنای نادرست: make it still better: آنرا بزرگ جلوه دادن

↔ اضافه: و صفا/ و تظاهر/ فقط

↔ حذف: character/ or design

* مترجم مرد متن دوم: ولی ساده دلی بی‌شائبه و فارغ از غرض ... دیدن خوبی‌های آدم‌ها و حتی بزرگ جلوه دادن این خوبی‌ها، نگفتن بدی‌ها ... این‌ها دیگر فقط مخصوص توست.

↔ معنای نادرست: بی‌شائبه: ostentation / بزرگ جلوه دادن این خوبی‌ها: to make it still better

↔ اضافه: و حتی/ دیگر

↔ حذف: character

➤ They could not every day sit so grim, and taciturn; and it was impossible, however, ill-tempered they might be, that the universal scowl they wore was their everyday countenance. (جمله ۱۵۹ از متن اول)

* مترجم زن متن اول: ممکن نیست آن‌ها هرروز این قدر عبوس و کم‌حرف باشند. هر چقدر هم بداخلاق و دیرجوش باشند، محال است که هرروز این‌طور خمود و گرفته باشند.

↔ اضافه: و دیرجوش/ خمود و/ این‌طور

↔ حذف: sit/ countenance/ universal/ they wore

* مترجم مرد متن اول: مطمئناً آن‌ها نمی‌توانستند هر روز آنچنان ساکت و مغموم گرد میز غذا بنشینند. آن‌ها هرقدر هم بداخلاق و دیرجوش بودند غیرممکن بود آن حالت عبوس و گرفتگی، حالت هرروزه ایشان باشد.

↔ معنای نادرست: grim: مغموم

↔ اضافه: مطمئناً/ گرد میز غذا/ و دیرجوش/ و گرفتگی

حذف: they wore/ universal

تعداد ترجمه‌های نامناسب انجام‌گرفته توسط هر مترجم، به شرح زیر است:

جدول شماره ۱: ترجمه‌های نامناسب مترجم مرد متن اول

مترجم مرد متن اول	وارونگی معنایی	معنای نادرست	بی معنایی	اضافه	حذف	مراجعه فرازبانی نادرست	کم معنایی	گونه زبانی نامناسب	مجموع
تعداد	۳	۱۶۹	۰	۲۱۷	۱۹۳	۴	۳۲	۱۱	۶۲۸
درصد	۱	۴۷	۰	۶۰	۵۳	۱	۹	۳	-

جدول شماره ۲: ترجمه‌های نامناسب مترجم زن متن اول

مترجم مرد متن اول	وارونگی معنایی	معنای نادرست	بی معنایی	اضافه	حذف	مراجعه فرازبانی نادرست	کم معنایی	گونه زبانی نامناسب	مجموع
تعداد	۳	۱۳۶	۰	۱۶۳	۱۵۱	۱۲	۲۵	۲	۴۹۲
درصد	۱	۳۸	۰	۴۵	۴۲	۳	۷	۱	-

جدول شماره ۳: ترجمه‌های نامناسب مترجم مرد متن دوم

مترجم مرد متن اول	وارونگی معنایی	معنای نادرست	بی معنایی	اضافه	حذف	مراجعه فرازبانی نادرست	کم معنایی	گونه زبانی نامناسب	مجموع
تعداد	۱	۱۳۱	۰	۱۳۹	۱۷۱	۶۱	۴۴	۳۲	۵۶۹
درصد	۰	۳۶	۰	۳۷	۴۵	۴	۱۲	۶	-

جدول شماره ۴: ترجمه‌های نامناسب مترجم زن متن دوم

مترجم مرد متن اول	واردگی معنایی	معنای نادرست	بی معنایی	اضافه	حذف	مراجع فرا زبانی نادرست	کم معنایی	گروه زبانی نامناسب	مجموع
تعداد	۳	۱۶۹	۲	۲۰۴	۲۰۱	۴	۶۷	۱۱	۶۶۱
درصد	۱	۴۵	۱	۵۴	۵۳	۱	۱۸	۳	-

۵. بحث و بررسی

در رابطه با ترجمه‌های متن اول، محقق دریافته که صحت ترجمه مترجم زن از صحت ترجمه مترجم مرد بیشتر بوده است، زیرا تعداد ترجمه‌های نامناسبی که در ترجمه مترجم مرد وجود دارد، بیشتر از تعداد ترجمه‌های نامناسب مترجم زن بوده است. اما در رابطه با ترجمه‌های متن دوم، نتیجه عکس به دست آمد؛ بدین ترتیب که محقق دریافت صحت ترجمه مترجم مرد بیشتر از صحت ترجمه مترجم زن بوده، چراکه تعداد ترجمه‌های نامناسب در ترجمه مترجم زن بیشتر از تعداد ترجمه‌های نامناسبی بوده که در ترجمه مترجم مرد یافت شده است. بنابراین، بنابر یافته‌های متفاوتی که از تجزیه و تحلیل ترجمه‌های مترجمان زن و مرد به دست آمد، محقق دریافت که تفاوت عمده‌ای میان ترجمه‌های مترجمان زن و مرد از حیث صحت ترجمه وجود ندارد.

۶. نتیجه

طبق تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق و یافته‌های حاصل از بررسی ترجمه‌های نامناسب تأثیرگذار بر درک متن مبدأ و درحقیقت، ترجمه‌های نامناسب تأثیرگذار بر صحت ترجمه که در ترجمه‌های مترجمان زن و مرد مشاهده شد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تفاوتی میان ترجمه‌های مترجمان زن و مرد از لحاظ صحت ترجمه وجود ندارد. بدین‌سان، فرضیه صفر این تحقیق تأیید شد. با استناد به نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان گفت که جنسیت مترجم نقش مهمی در صحت ترجمه ندارد و به طور قاطع نمی‌توان گفت که مترجمان زن صحیح‌تر ترجمه می‌کنند یا مترجمان مرد. درحقیقت، بنا بر نتایج حاصل از این تحقیق، ثابت

شد که جنسیت مترجم نمی‌تواند به عنوان عاملی تعیین‌کننده در سنجش صحت ترجمه در نظر گرفته شود. از این‌رو، این نتیجه می‌تواند برای ناشران، مؤسساتی که در زمینه ترجمه فعالیت دارند و یا حتی برای مؤسسات آموزشی سودمند واقع شود و وقتی قصد استخدام مترجم یا مدرس زبان دومی را داشتند، می‌توانند چنین فرض کنند که مردها و زنها در گستره ترجمه یا تدریس زبان دوم عملکرد مشابهی دارند و بدین ترتیب، توجه خود را از جنسیت کارجویان به کیفیت عملکرد آنان معطوف نمایند. البته باید در نظر داشت که این تحقیق تنها مطالعه‌ای در مقیاس خرد است و آنچه در این‌جا عنوان گردید، می‌تواند عملی باشد یا نباشد؛ لیکن تمامی این موارد اندیشیدنی‌اند. در این تحقیق، تنها به نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه توجه شده است و به اعتقاد محقق، مطالعات گوناگون دیگری می‌توان در رابطه با تأثیر جنسیت مترجم بر دیگر ویژگی‌های یک ترجمه مطلوب انجام داد: به عنوان نمونه، می‌توان به تأثیر جنسیت مترجم بر دقت و تصریح و ... در ترجمه پرداخت. هم چنین، سایر محققان می‌توانند به بررسی مبحث جنسیت مترجم و صحت ترجمه از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) بپردازند. نیز، می‌توان این تحقیق را در قالب یک تحقیق تجربی ارائه داد و با بررسی ترجمه تعداد مناسبی از مترجمان زن و مرد از حیث صحت ترجمه، به نتیجه‌ای قابل اطمینان و معتبر دست یافت. به علاوه، این تحقیق به بررسی صحت ترجمه در رمان پرداخته و می‌توان تحقیقات دیگری در رابطه با نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه در دیگر ژانرها، چون ادبیات کودکان، نمایشنامه، شعر و حتی دوبله و زیرنویس و ترجمه شفاهی ارائه کرد. حتی می‌توان بر متون علمی و فنی متمرکز شد و موضوع این تحقیق و موضوعاتی از این دست را در چنین گستره‌هایی اعمال کرد.

Bibliography

- Baker, Mona. Ed. (1998). *The Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. London: Routledge.
- Beekman, John. and J. Callow, (1989). *Translating the Word of God*. Michigan: Zondervan Publishing House.
- Coates, Jennifer (1997). *Women, Men and Language: A Sociolinguistic Account of Gender Differences in Language*. 2nd. Ed. London: Longman.
- DeVault, Marjorie. L. (2002). "Talking and Listening from Women's Standpoint: Feminist Strategies for Interviewing and Analysis". *Qualitative Research Methods*. Ed. Darin Weinberg. Massachusetts: Blackwell Publishers Inc. 88-111.

- Flotow, Luise von. (1997) *Translation and Gender: Translating in the 'Era of Feminism*. Manchester: St. Jerome Publishing, 1997.
- Graddol, David and J. Swann. (1992). *Gender Voice*. Cambridge: Blackwell Publishers Inc.
- Hatim, Basil. and J. Munday. (2004). *Translation: An Advanced Resource Book*. London. Routledge.
- Holmes, Janet. (1995). *Women, Men and Politeness*. London: Longman.
- Hornby, Albert Sydney. (2003). *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*. 6th Ed. Oxford: Oxford University Press.
- Khomeijani Farahani, Aliakbar (2005). "A Framework for Translation Evaluation". *Translation Studies*. 3 (9), Tehran: Dalahou Publication. 75-87.
- Larson, Mildred L. (1984). *Meaning-based Translation: A Guide to Cross-language Equivalence*. Lanham: University Press of America.
- Manafi Anari, Salar. (2004). "A Functional-Based Approach to Translation Quality Assessment". *Translation Studies*, 1 (4), Tehran: Dalahou Publication. 31-52.
- . (2004). "Accuracy and Naturalness in Translation of Religious Texts". *Translation Studies* 2 (5), Tehran: Dalahou Publication. 33-51.
- Newmark, Peter (1996). *About Translation*. Clevedon: Multilingual Matters Ltd, 1996.
- Simon, Sherry (1996). *Gender in Translation: Cultural Identity and the Politics of Transmission*. London: Routledge, 1996.
- Stockwell, Peter (2002). *Sociolinguistics: A Resource Book for Students*. London: Routledge, 2002.
- Waddington, Christopher. (2001). "Different Methods of Evaluating Student Translations: The Question of Validity". *Meta*, XLVI (2), 311-325. Also, available from: <<http://www.erudit.org/revue/meta/2001/v46/n2/004583ar.pdf>> [Accessed May 5, 2007].